



به دنبال لاشه خواران شب

صفحه آخر

سال سوم، شماره ۱۱، بهار ۸۷، ۸ صفحه، رایگان

سرمقاله

محمدصادق فرهادی نیا

پروژه‌ی حفاظت از یوزپلنگ آسیایی در بهار سال ۱۳۸۷ به صورت رسمی خاتمه می‌یابد. در میان طرح‌های بین‌المللی اجرا شده بوسیله‌ی سازمان محیط زیست در سال‌های اخیر، این پروژه بیشترین حواشی و فراز و نشیب‌ها را در خود داشته است. از همین رو بر آن شدیم تا با نگارش سرمقاله‌ای پیرامون روند حفاظت از این گونه بارزش در کشور، به تحلیل وضعیت تلاش‌های حفاظتی درخصوص این گونه طی ۲ دهه اخیر در کشور بپردازیم.

یکی از نخستین تلاش‌های مکتوب درخصوص یوزپلنگ ایرانی به سال‌های پایانی دهه‌ی ۱۳۶۰ و اوایل دهه‌ی ۱۳۷۰ برمی‌گردد که طی آن محمود کرمی به انجام بازدیدهای پراکنده‌ای از برخی زیستگاه‌های یوز در نیمه‌ی جنوبی استان خراسان پرداخت.

از اوایل دهه‌ی ۱۳۷۰ تلاش‌هایی در سطح استان خراسان توسط اداره‌ی کل محیط زیست آن استان و با همت علیرضا جورابچیان آغاز شد که نتیجه‌ی آن شناسایی و ارتقای سطح منطقه‌ی نای‌بندان طبس از منطقه‌ی آزاد به منطقه‌ی شکار ممنوع، و تهیه‌ی تصویر جامعی از وضعیت یوز در استان

ادامه در صفحه ۲

حفاظت از یوزپلنگ؛ از ابتدا تاکنون

حیات وحش را حرفه ای بیاموزیم

برگزاری دوره تخصصی آشنایی با حیات وحش

نام دوره	مدرس	تعداد ساعات	هزینه (ریال)
عکاسی از حیات وحش	سید بابک موسوی	۱۰	۴۰۰/۰۰۰
پرند شناسی	باقر نظامی	۱۰	۲۵۰/۰۰۰
خزنده شناسی	کامران کمالی	۸	۲۰۰/۰۰۰

در پایان هر دوره، به شرکت کنندگان گواهی پایان دوره اعطا می‌گردد.
علاقمندان به شرکت در دوره های مذکور می‌توانند از ساعت ۹ تا ۱۶ با شماره تلفن ۸۸۰۰۵۹۲۶ تماس حاصل فرمایند.

حفاظت از یوزپلنگ؛ از ابتدا تا کنون

ادامه از صفحه ۱

خراسان تا بخش‌های شرقی استان یزد بود. از تلاش‌های دیگری که طی این دهه به صورت جدی برای یوز صورت پذیرفت اقداماتی بود که توسط بهرام کیایی و بیژن دره شوری برای شناسایی زیستگاه یوز و ارزیابی وضعیت جمعیت آن در سراسر کشور صورت پذیرفت. در این بررسی آن‌ها اکثر زیستگاه‌های بالفعل و بالقوه یوز را مورد بازدید و بررسی قرار دادند. در سال‌های پایانی دهه‌ی ۱۳۷۰ مرحوم هرمز اسدی در راستای رساله‌ی دکتری خود با حمایت اتحادیه جهانی حفاظت، از آلمان به ایران آمد و تلاش فراوانی را برای حفظ این گونه نادر آغاز نمود. در آن سال‌ها او اطلاعات ارزشمندی درباره‌ی وضعیت یوز



مارینا عکس از: جوراچیپیان

سطح حفاظتی مناطق و توان انسانی و تجهیزات اقدام گردید. در عین حال، در ابتدای پروژه تلاش برای آموزش جوامع محلی با سرعتی کمتر از ارتقای حفاظت و پژوهش در داخل زیستگاه‌ها دنبال می‌شد.

در سال ۱۳۸۲ اکبر همدانیان به عنوان دومین مدیر پروژه به دعوت انوشیروان نجفی (معاونت محیط طبیعی سازمان) به پارک پردیسان آمد. در تابستان ۱۳۸۳ انوشیروان نجفی جای خود را به هادی سلیمانپور داد. پروژه یوز یکی از دغدغه‌های اصلی او از بدو آمدن به پردیسان بود و از همین رو دست به یک تغییر اساسی در مدیریت پروژه زد و هوشنگ ضیایی را که از زمان بازنشستگی در سال ۱۳۷۸ چند سالی از پردیسان دور بود، به آنجا بازگرداند تا روزنامه‌ها با لقب

«آخرین تیر سازمان محیط زیست» از او یاد کنند. با آمدن ضیایی ناامیدی‌های خفته علاقمندان به یوز به امید پرفروغ بدل گشت و سلیمانپور را بابت این انتخاب تحسین نمودند. در نخستین اقدام، ضیایی تلاش فراوانی برای تشکیل یک تیم تازه نفس بکار بست. همچنین او دست همکاری به سوی دانشگاه‌ها دراز نمود و بهرام کیایی و محمود همای را به عنوان مشاور علمی پروژه با خود همراه نمود، هرچند که این همکاری دوام چندانی نداشت!

یکی از مهمترین چالش‌های پیش روی مدیر جدید پروژه عدم پرداخت حقوق به محیط‌بانان پروژه در مناطق مختلف بود که برخی از آن‌ها حتی تا ۹ ماه حقوق صد و چند ده هزار تومانی خود را دریافت نکرده بودند. پیگیری‌های فراوانی صورت گرفت تا بالاخره حقوق آن‌ها بدستشان رسید. بلافاصله پس از این اقدامات، ضیایی نخستین برنامه‌ی سرشماری را که در دوران مدیریت‌های قبلی توفیق چندانی در اجرای آنها کسب نشده بود، برنامه‌ریزی و هدایت نمود. دره انجیر، بافق، نای بندان و کویر به ترتیب میزبان بیش از ۳۰ دانشجوی علاقمند بودند که به سرشماری طعمه‌های یوز پرداختند.

در همان سال از میان این دانشجویان سه تشکل غیر دولتی (NGO) شکل گرفت که توانستند چندین طرح کوچک در مناطق مختلف بگیرند.

در همین زمان پروژه در آستانه پایان بود و تلاش‌های فراوانی برای کسب نظر سازمان محیط زیست و سازمان ملل متحد برای موافقت با تمدید دو ساله پروژه آغاز گردید. یکی از مهمترین اهدافی که مدیریت جدید پروژه از ابتدا مجدانه دنبال می‌کرد لزوم توجه به یکی از مهمترین ابعاد پروژه یعنی آموزش مردم محلی و مدیریت مشارکتی زیستگاه‌ها بود. این مسأله که به صورت نه چندان پر رنگ توسط مدیر اول آغاز شده بود، ضیایی به آن جانی دوباره بخشید. دفتر برنامه‌های کوچک ملل متحد نیز بودجه محدود پروژه را متقبل شد و با حمایت از چند پروژه آموزشی در زیستگاه‌های یوز به یکی از تعهدات اصلی پروژه جامه عمل پوشاند.

در بهار سال ۱۳۸۵، جورج شالر و لوک هانتز به ایران آمدند تا به ارزیابی پروژه و بررسی مقدمات مربوط به برنامه‌ی زنده‌گیری یوز در بافق بپردازند. شالر با دیدن خیل عظیم دانشجویان در پاسگاه دلبر خارتوران مجاب به حمایت‌های بیشتر از پروژه و زمینه‌سازی برای اخذ یک بورس دکتری برای نماینده‌ی از پروژه گردید. از آنجا که انجمن حفاظت از حیات وحش آمریکا به لحاظ قانونی نمی‌توانست پروژه رادیوتله متری یوز در ایران را مورد حمایت قرار دهد، سارا کریستی مسئول پروژه‌های گوشتخواران انجمن جانورشناسی لندن به کمک آمد تا با

زیرساخت‌های پروژه گردید. به مرور زمان دبیرخانه‌ی ایجاد شد که دارای ۶۶ دستگاه دوربین تله‌ای و ۳ دستگاه خودرو (که دو دستگاه آن در اختیار استان‌های یزد و سمنان قرار داده شده بود) بود. در عین حال بخش اعظم زیستگاه‌های یوز فاقد سپر حفاظتی قانونی و حمایت لازمه بود که خود در بلندمدت می‌توانست هرگونه اقدام حفاظتی را خنثی نماید. دره انجیر و نای‌بندان دو منطقه شکار ممنوع بودند، تعداد محیط بانانی که در سراسر زیستگاه‌های یوز مشغول به حفاظت بودند از ۴۰ نفر تجاوز نمی‌کرد و این افراد نیز نیاز به آموزش و هماهنگی داشتند. یکی از مهمترین اقداماتی که در نخستین سال پروژه انجام گرفت استخدام ۳۲ محیط‌بان جدید بود. تمامی این افراد از جوانان روستاهای اطراف زیستگاه‌های یوز انتخاب شده بودند که نقش بسیار مؤثری در جلب همکاری روستاهای متبوعشان جهت حفاظت از یوز داشتند. از سوی دیگر تعداد پاسگاه‌های محیط زیست خارتوران شاهرود که

بدون شک نمی‌توان کسی را تنها ناجی یوز در ایران دانست یا با القابی که امروز باب شده است (مانند پدر و...) از کسی یاد کرد.

تا سال ۱۳۸۰ فقط ۴ مورد بود، به سرعت افزایش یافت و پاسگاه‌های جدیدی نیز در نای‌بندان، دره انجیر و بافق احداث گردید؛ البته در این میان نمی‌توان نقش ادارات کل مربوطه را نیز نادیده گرفت. یوزپلنگ که همیشه از تصاویر به دور بود، با انگیزه و جدیت بالای محیط‌بانان و پیگیری‌های پروژه در مناطق مختلف توسط دوربین‌های تله‌ای به دام افتاد. کارشناسان بین‌المللی متعددی به ایران آمدند، نشست‌ها و سخنرانی‌هایی با حضور آنها برگزار شد و ایران در کانون توجهات جهانی برای حفظ این گونه ارزشمند قرار گرفت.

در داخل کشور سایر استان‌ها نیز به تکاپوی یافتن یوز در مناطق خود افتادند. در کرمان کارگاهی برگزار شد و تلاش‌های زایدالوصف کارشناسان اداره‌ی کل محیط زیست استان اصفهان و اداره محیط زیست شهرستان نایب به اثبات وجود یوز در این منطقه به عنوان ششمین سنگرگاه یوز در کشور منجر شد. با فرا رسیدن سال ۱۳۸۲، میانداشت خراسان نیز که تنها نامی از آن باقی مانده بود، یوز خود را نمایان کرد و از آن فیلمبرداری و عکسبرداری شد. در آغاز پروژه رویکرد اصلی برای نجات یوز در ایران، حفاظت از زیستگاه بود. بر همین اساس بود که نسبت به ارتقای

در کشور گردآوری نمود ولی به سبب آنکه نتوانست با بدنه‌ی کارشناسی سازمان ارتباط مؤثری برقرار نماید، از لحاظ اجرایی به موفقیت چندانی در امر حفاظت از این گربه‌سان دست نیافت.

در ۱۴ بهمن ۱۳۷۹ از دو دسته ۳ و ۴ قلاده‌ای یوزپلنگ در منطقه‌ی نای‌بندان طبس فیلمبرداری شد. با این کار توجه دوباره به این گونه به صورت جدی در سازمان محیط زیست مطرح شد. در همان زمان مذاکراتی نیز با برنامه‌ی عمران سازمان ملل متحد UNDP صورت پذیرفت تا اینکه «پروژه‌ی حفاظت از یوزپلنگ آسیایی و زیست بوم‌های مرتبط با آن» در شهریور ۱۳۸۰ (که همزمان با انفجار برج‌های دوقلوی آمریکا بود) با همکاری سازمان محیط زیست و تسهیلات جهانی محیط زیست (جف) در ایران آغاز گردید. بودجه‌ی ارزی این پروژه که جف تقبل کرده بود ۷۲۵۰۰۰ دلار بود و توافق شده بود که معادل همین مبلغ نیز از سوی سازمان محیط زیست سرمایه‌گذاری گردد. از همان ابتدا تلاش‌ها بر روی ۵ منطقه‌ی بافق، دره انجیر، نای‌بندان، کویر و خارتوران متمرکز گردید. خوشبختانه در همین زمان دو نفر از کارآمدترین مدیران کل سازمان در سمت مدیریت استان‌های یزد و سمنان بودند. حسام حسینی که از اوایل دهه ۱۳۷۰ به استان یزد آمده بود، علاقه و اشراف زیادی به مناطق و زیستگاه‌ها داشت و همین امر باعث شده بود که وسعت و تعداد مناطق حفاظت شده در دوران مدیریت وی افزایش چشمگیری داشته باشد. محمد روشن ضمیر نیز استان سمنان را در شرایط نه چندان مناسبی تحویل گرفته بود و علاقه وافرش به مناطق این استان، به خصوص خارتوران و سرکشی‌های مستمر وی، باعث شده بود تا خارتوران که تا پیش از سال ۱۳۸۰ به سختی فقط یک گزارش قابل اتکا از مشاهده یوز در سال داشت، به یکی از زیستگاه‌های اصلی یوز بدل گشته و فیلم‌های متعددی از این جانور گرفته شود. همزمان با شروع به کار پروژه، این اقدامات اجرایی در منطقه با جدیت دوچندانی دنبال شد تا خارتوران مرده آبه قول احمد عجمی [جانی دوباره بیابد.

پروژه با پیگیری‌های علیرضا جوراچیپیان آغاز گردید و وی نخستین مدیر این پروژه حاشیه ساز شد. در این دوره همه‌ی توجه‌ها به این پروژه جلب شد و بیش از آنکه به یوز معروف باشد، بودجه چند صد هزار دلاری‌اش آنرا سر زبانها انداخته بود. جوراچیپیان سازمان را متقاعد نمود تا حمایت و همکاری بالاترین مقام اجرایی کشور را به صورت ویژه نسبت به یوز جلب نماید؛ لذا با درخواست ابتکار، خاتمی در نامه‌ی رسمی کلیه‌ی سازمان‌ها و وزارتخانه‌های مربوطه را به همکاری برای نجات یوز آسیایی موظف نمود. در دور نخست زمان و انرژی زیادی صرف ایجاد و توسعه‌ی

گزارشی از آغاز یک پژوهش جدید بهترین زیستگاه پلنگ در بلوچستان

سرویس پژوهش: محمد صادق فرهادی
نیا- بلوچستان ایران یکی از بکرترین و ناشناخته‌ترین مناطق کشور به شمار می‌رود که کمتر در زمینه‌ی حیات وحش آن مطالعه شده است. گفته می‌شود که پلنگ تنها در چند منطقه محدود در این بخش از ایران باقی مانده ولی تابحال مطالعه‌ای در خصوص وضعیت این گونه‌ی در حال انقراض در این استان صورت نگرفته است. منطقه حفاظت شده کوه بیرک در نزدیکی مرز پاکستان با وسعت بیش از ۷۰ هزار هکتار مهمترین زیستگاه پلنگ در بلوچستان ایران به شمار می‌آید. شاید کسی بدون مشاهده‌ی آثار و علائم فراوان پلنگ در این منطقه، وجود آن را باور نکند. ولی باید گفت که این منطقه دارای جمعیت بالنسبه مناسب از این گربه سان زیبا است.



دوربین گذاری در منطقه بیرک

در مقایسه با قسمت‌های شمالی داشت. به منظور ثبت حضور پلنگ در این منطقه، مسیرهای گذار پلنگ مورد شناسایی قرار گرفته و ۳ دستگاه دوربین تله‌ای آنالوگ با قابلیت گرفتن ۹ تصویر در هر لحظه در این مسیرها کار گذاشته شد.

منطقه حفاظت شده کوه بیرک با وسعت ۷۳۲۱۷ هکتار، در فاصله ۱۰۰ کیلومتری شهرستان سراوان در بخش بلوچستان استان سیستان و بلوچستان واقع گردیده است. این منطقه در بخش زابلی شهرستان سراوان واقع شده و اداره محیط زیست این شهرستان مسئولیت حفاظت از این منطقه را برعهده دارد. بلندترین ارتفاع این منطقه ۲۷۴۰ متر از سطح دریاها بوده و میانگین بارش آن حدود ۱۰۰ میلی‌متر در سال است.

نمای کلی این منطقه یک رشته کوه صخره‌ای و صعب به طول حدود ۱۰۰ کیلومتر و عرض متوسط کمتر از ۱۰ کیلومتر است که در جهت شمال غربی تا جنوب شرقی از جنوب شهرستان خاش تا بخش زابلی (که به تازگی به شهر ارتقا یافته است) امتداد دارد.

این منطقه یکی از زیستگاه‌های مناسب پلنگ در جنوب شرقی کشور به شمار می‌رود که جمعیتی از این گونه‌ی در معرض خطر (Endangered) (IUCN، ۲۰۰۶) را در خود جای داده است. نظر به آنکه طبق آخرین مطالعات صورت گرفته در جهان، پلنگ‌های جنوب ایران بیشتر به پلنگ‌های پاکستان شباهت دارند تا پلنگ‌های شمال کشور، از این رو به نظر می‌رسد که مطالعه درباره‌ی پلنگ‌های جنوب شرق کشور از اولویت بالایی برخوردار است. بر این اساس منطقه بیرک بدون شک یکی از بهترین زیستگاه‌ها برای انجام چنین مطالعه‌ای است. از سوی دیگر نظر به تعارض بالای پلنگ و جوامع انسانی به دلیل شکار بزه‌های اهلی توسط این گوشتخوار، آینده این گونه در منطقه از یک سو و ضرر و زیان وارده شده به مردم از سوی دیگر همواره ضرورت انجام پژوهشی درخصوص وضعیت پلنگ در این منطقه را بیش از پیش ایجاب می‌نماید.

گرفته بود، یافت شد. بر اساس بررسی‌های صورت گرفته گونه‌های زیر به عنوان طعمه مورد استفاده پلنگ در این منطقه قرار گرفته است: کل و بز، تشی، روباه، بز اهلی، الاغ، سگ گله و جوندگان.

مهمترین طعمه وحشی پلنگ در این منطقه کل و بز است که تراکم بسیار پایینی دارد. ظاهراً پیش از خشکسالی‌های سال‌های گذشته، تراکم طعمه وحشی در این منطقه همچنان پایین بوده و پلنگ‌ها نیز برای تأمین بخشی از نیاز غذایی خود لاجرم از بزه‌های اهلی تغذیه می‌کردند. ولی امروزه به دلیل آنکه اندازه‌ی گله‌های بز عشایر به دلیل خسارت ناشی از خشکسالی بسیار کاهش یافته میزان خسارتی که مردم به دلیل حمله پلنگ می‌بینند قابل توجه شده است. از نکات جالب توجه این است که مردم اعتقاد دارند اگر پلنگ‌ها را بکشند خشکسالی ادامه می‌یابد و همین خود باعث گردیده که تابحال پلنگ‌ها بتوانند جان سالم به در ببرند.

بر اساس بررسی‌های صورت گرفته تنها در بخش کوچکی از این منطقه ردپای دو قلاوه پلنگ مختلف در محدوده میانی بیرک شناسایی گردید که یکی از آنها احتمالاً یک پلنگ جوان ۳-۴ ساله و دیگری بزرگتر است. ردپاها حاکی از اندازه نه چندان بزرگ پلنگ‌های این محدوده از کشور

ماجرای زمستان ۱۳۸۵ آغاز گردید. محمدرضا عاقبتی طبیعت دوست ساکن زاهدان با انجمن تماس گرفت و از حضور پلنگ در منطقه کوه بیرک بلوچستان و حملات متعدد آن به دام‌های اهلی مردم در این منطقه خبر داد. مهندس علیمرادی که در آن زمان مسئولیت اداره محیط زیست سراوان را برعهده داشت، تصاویر و جزئیات بیشتری از این منطقه و خسارت‌هایی که پلنگ وارد ساخته بود برای انجمن ارسال نمود. تا اینکه با هماهنگی اداره کل محیط زیست استان سیستان و بلوچستان و پیگیری مهندس عاقبتی، در اوایل اسفند سال ۱۳۸۶ که درست هم‌زمان با دوره مستی پلنگ‌ها در این منطقه بود، گروهی از سوی انجمن عازم منطقه بیرک بلوچستان گردید. همه چیز هماهنگ شده بود و آقایان مهندس آرامنش و افسری از اداره کل محیط زیست استان و آقایان دهقان نژاد و حسین زهی از اداره محیط زیست شهرستان سراوان از هیچ همکاری فروگذار نمودند.

پلنگ تعارض بسیار شدیدی با عشایر بلوچ ساکن در این منطقه دارد بطوریکه طی دو سال گذشته به کرات به گله‌های عشایر بلوچ حمله کرده و بطور متوسط هر ماه بین ۱۰ تا ۲۰ بز اهلی را شکار کرده است. در بررسی رژیم غذایی پلنگ در این منطقه بقایای بز اهلی، روباه و جوندگان که توسط این جانور مورد استفاده قرار

ادامه از صفحه مقابل

در هر دوره‌ای که سازمان به وظیفه‌ی خود برای حفظ این گونه عمل کرده است یوز روزگار خوبی داشته و در غیر اینصورت یوز نیز دستخوش ناملایماتی شده است. پس کسی را نمی‌توان ناجی یوز دانست، بلکه این نقش مؤثر سازمان است که بقای یوز را تضمین می‌نماید. به خاطر داشته باشیم که ما همواره بخشی از یک روند کلی هستیم که اگر تلاش و حضور سایرین نباشد حضور ما نیز معنایی نخواهد داشت. پروژه حفاظت از یوزپلنگ آسیایی شاید نتوانسته باشد بر اساس تعهدات خود به اهداف خود برسد، لیکن حرکت عظیمی در میان طیف علاقمندان به حیات وحش در سراسر کشور پایه‌گذاری کرد که امروزه هر یک تلاش می‌کنند با نگرشی علمی‌تر نسبت به گذشته به بررسی و مطالعه درباره سایر گونه‌های حیات وحش ناشناخته کشور از قبیل پلنگ، خرس، گور و غیره بپردازند. پروژه یوزپلنگ آسیایی توانست جایگاه حیات وحش را در بستر اجتماعی موجود ارتقا بخشد و توجه ویژه مسئولان و مردم را نسبت به حیات وحش (در مقایسه با گذشته) جلب نماید. اگر اتفاقات ناگوار در این روند باعث دوری پروژه از دستاوردهای اصلی آن نمی‌شدند، ما ایرانیان می‌توانستیم به اجرای کاملاً موفقیت‌آمیز چنین برنامه‌ی حفاظتی کارآمدی بیش از امروز افتخار نماییم. با این حال یوزپلنگ در ابتدای راه بوده و هست. گونه‌های ارزشمندی همچنان در کشور نیازمند اجرای برنامه‌های حفاظتی هستند که تجربیات و پتانسیل‌های پروژه یوزپلنگ نقش غیرقابل انکاری در موفقیت هر چه بیشتر آنها می‌توانند داشته باشند.

دوستداران محیط زیست جهت انجام کار برای حفاظت از یوز بود. حفاظت از یوزپلنگ در کشور یک اقدام مقطعی نبوده و نیست، بلکه روندی است که علاوه بر تلاش‌های صورت گرفته در دوران قبل از انقلاب، سابقه‌ی آن حداقل به بیش از ۲۰ سال پیش برمی‌گردد. این کار حاصل تلاش بیش از ۲۰۰ نفر از جامعه محیط زیست ایران از سال‌های آغازین دهه ۱۳۷۰ است. تمام محیط‌بانان، شکارچیان، روزنامه‌نگاران، کارشناسان، دانشجویان، اساتید، مدیران، سازمان‌های مردم‌نهاد، مشاورین بین‌المللی، فعالان زیست محیطی، رسانه‌ها، وب لاگ نویسان و غیره در حد توان خود در این روند سهیم بوده و به لحاظ کیفی سهم یکسانی داشته‌اند. به این معنا که هر کس تا حدی که از لحاظ توانایی، علاقه، امکانات، علم و غیره در چنته داشته برای یوز تلاش کرده است تا شاید چرخ این ارابه سنگین را هر چند اندک به جلو ببرد، از این رو هر کس تا حد توان تلاش کرده و قابل احترام است. بدون شک نمی‌توان کسی را ناجی یوز در ایران دانست یا با القایی که امروزه باب شده است (مانند پدر و ...) از کسی یاد کرد. اگر امروز برای حفظ یوز در کشور تلاش می‌کنیم، یادمان باشد که این ارابه را افراد زیادی ساخته و به جلو رانده اند تا به ما رسیده است و ما نیز باید به افراد بعدی تحویل دهیم. اگر نبودند افرادی که پیش از ما در این راه تلاش کرده‌اند، امروز ما در جایگاه آن‌ها بودیم و ارابه‌ای برای راندن وجود نداشت. عامل مشترک در این میان سازمان محیط زیست است که بدون شک وظیفه‌ی غیرقابل انکار حفاظت از یوز و سایر گونه‌های حیات وحش در کشورمان را بر عهده دارد.

حمایت از این پروژه، ضمن حل مشکل سیاسی موجود، نام خود و مؤسسه‌ی انگلیسی مربوطه‌اش را نیز وارد داستان پرفراز و نشیب یوز ایرانی نمود.

بیش از ۱۰ تله به مدت بیش از ۸۰ شب در دره اشکفت بافق موفق شدند ۲ یوز با نام‌های پایا و مانا و یک پلنگ را بگیرند و مرحله نخست پروژه که فاز آزمایشی آن نیز بود با موفقیت نسبی به پایان رسید، ولی در مرداد ۱۳۸۵ یکی از دو یوز توسط جانور دیگری که احتمالاً پلنگ بوده از پا درآمد. در پاییز ۱۳۸۶ کمپها و تله‌ها دوباره در بافق برپا شدند. هدف این دوره‌ی تله‌گذاری زنده‌گیری حداقل ۶ قلاوه یوز عنوان شد!!! در ابتدا پلنگ سال گذشته به دام افتاد و پس از آن پلنگ دیگری نیز مجهز به فرستنده گردید. لیکن از یوز دیگری که به مدت یک سال مجهز به گردنبنده در منطقه بافق می‌گشت خبری نبود.

تا اینکه در نخستین روزهای اسفند ۱۳۸۶ سومین مدیر پروژه نیز برای همیشه دفتر آنرا در پارک پردیسان ترک نمود. ضیایی علت رفتن خود را استعفا به دلیل غیرقابل همکاری دانستن سازمان محیط زیست آنهم در زمان اوج موفقیت این پروژه بیان کرد، لیکن دلاور نجفی انتشار غیرقانونی نتایج پروژه، عدم نیل به دستاورد مشخص و غیره را مهمترین دلایل برکناری ضیایی اعلام نمود.

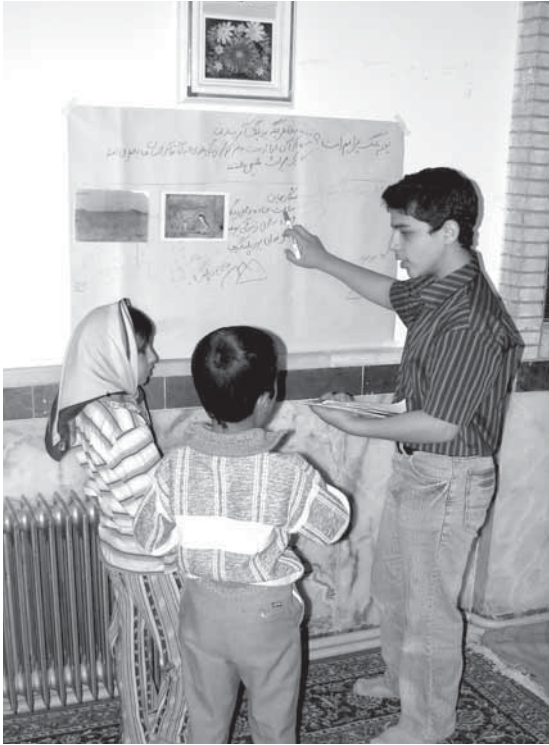
در زمان نگارش این سر مقاله نکته‌ای که مدام ذهن مرا به خود مشغول می‌داشت اجماع کلی و تلاش دسته جمعی

بسیار متشکریم

گامی دیگر در راستای توانمندسازی مردم بافق

دانش آموزان درباره یوزپلنگ

به دانش آموزان آموزش می دهند



فیلمی از زبان یک توله یوزپلنگ با رفتارهای آن در طول زندگی شامل مهاجرت فصلی، رقابت غذایی، تولید مثل، عوامل تهدید یوزپلنگ و ... آشنا شدند. دانش آموزان از اینکه متوجه شدند یوزپلنگ های آفریقایی هم زمانی در حال انقراض بوده و در نتیجه فعالیت های حفاظتی از خطر نابودی رهایی یافته بودند، به ادامه راه امیدوار شده بودند. در پایان، دانش آموزان در قالب کارگروهی به بررسی عوامل تهدید یوزپلنگ در بافق و اینکه هر کدام از این عوامل را چه قشری از جامعه سبب می شود پرداختند. هر گروه متعهد گردید فعالیتی در حد توان خود و در راستای کمک به حفظ یوزپلنگ در بافق انجام دهد.

در فروردین ۱۳۸۷، گروه منتخب دانش آموزان بافق از روستاهای شیطان و بساب (از روستاهای مجاور منطقه حفاظت شده کوه بافق) بازدید به عمل آوردند. هدف از این گردش علمی، از یک سو آموزش دانش آموزان روستاهای اطراف منطقه حفاظت شده کوه بافق که ارتباط بیشتری با حیات وحش دارند، و از سوی دیگر، کسب مهارت و توانایی برای انتقال آموخته های خود به دیگران بود.

دانش آموزان بر اساس آموخته های قبلی خود و ایده های جدید و سرگرم کننده، طرح درسی مناسب گروه سنی دبستان و راهنمایی آماده نمودند. اکثر گروهها با شور و شوق خاصی کار آموزش را دنبال می کردند و سعی داشتند هر چه خود در این ۲ سال یاد گرفته بودند، به شیوه ای جذاب به دانش آموزان روستا آموزش دهند. پس از آن فیلم های آموزشی درباره یوزپلنگ برای همه دانش آموزان پخش گردید. در پایان، گواهینامه ای مبنی بر اینکه دانش آموز مربوطه دوره آموزشی در مورد حیات وحش و یوزپلنگ را با موفقیت به پایان رسانده به منتخبین اهدا گردید.



سرویس فرهنگی: لیلا آمیغ - گروه حامیان یوزپلنگ (دانش آموزان منتخب مدارس راهنمایی شهرستان بافق) در مهر ماه سال گذشته، فعالیت های زیست محیطی خود را برای هدف مشترک «نجات یوزپلنگ ایرانی» آغاز کردند. بر همین اساس انجمن یوزپلنگ ایرانی کلاسهای ویژه ای برای افزایش آگاهی منتخبین در خصوص محیط زیست و حیات وحش بخصوص یوزپلنگ برگزار کرد. در ادامه ای این آموزشها، بعد از یک جلسه تئوری با هدف آشنایی بیشتر دانش آموزان با مفاهیم پایه محیط زیست و حیات وحش بافق (بویژه یوزپلنگ) دانش آموزان منتخب در چارچوب یک گردش علمی نیم روزه از منطقه حفاظت شده کوه بافق دیدن کردند. هدف از این گردش علمی آشنا نمودن آنان با منطقه حفاظت شده کوه بافق و تهدیداتی بود که بر روی جمعیت یوزپلنگ ها اثر منفی می گذارد.

در این گردش علمی که در آذر ۸۶ برگزار گردید دانش آموزان با مفاهیمی همچون نحوه حضور در طبیعت، روش های تحقیقات در مورد حیات وحش، اطلاعات منطقه حفاظت شده، زمان فعالیت حیوانات (در طول سال و در طول روز)، گیاهان مهم منطقه و موارد استفاده ای آنها همچنین با زندگی محیط بانی، وسایل مورد استفاده محیط بانان، نحوه استتار آنان و مشکلات کاری موجود بر سر راه محیط بانان آشنا شدند. برای این بخش از بازدید یکی از محیط بانان با همراهی نمودن دانش آموزان آنان را با حرفه ای محیط بانان آشنا نموده و به سوالات آنها پاسخ داد.

در بخش عملی این بازدید دانش آموزان با نمایه های مختلف حیوانات و نحوه شناسایی آنان آشنا شدند. قالب گیری از رد حیوانات هم به آنها آموزش داده شد و یکی از گروه های پسرانه اقدام به قالب گیری از رد پای یوزپلنگ نمودند. دوربین کشی یکی دیگر از کارهایی بود که دانش آموزان تمرین کردند و با نحوه استفاده از دوربین های دوچشمی آشنا شدند. همچنین دانش آموزان با دوربین های تله ای آشنا شدند.

یکی از مهمترین مواردی که دانش آموزان یاد گرفتند نحوه ثبت اطلاعات بود. برای این منظور با تهیه دفترچه های کوچکی با عنوان مهارت های طبیعت گردی و مشاهده ای حیوانات، چگونگی حضور در طبیعت، نحوه ثبت مشاهدات، نقشه خوانی، شناسایی رد پای جانوران و ... را آموختند. در این دفترچه جدولی برای ثبت مشاهدات در نظر گرفته شده بود که دانش آموزان با علاقه ای ویژه در طول سفر اقدام به پر کردن این جدول می نمودند. در جلسه بعدی منتخبین در یک کلاس تئوری با مشاهده

انجمن یوزپلنگ ایرانی در راستای فعالیت های پژوهشی و آموزشی خود همواره از کمک و مساعدت های معنوی و مالی دوستان و علاقه مندان به حیات وحش ایران بهره برده است؛ از این رو بر خود لازم می داند تا مراتب تشکر خود را از این عزیزان اعلام دارد:

معاونت محیط طبیعی و تنوع زیستی سازمان محیط زیست، دفتر حیات وحش و آبیان و پروژه حفاظت از یوزپلنگ آسیایی سازمان حفاظت محیط زیست؛ دفتر هدایای کوچک برنامه عمران ملل متحد (UNDP/GEF/SGP)؛ اداره کل محیط زیست استان اصفهان؛ اداره کل محیط زیست استان خراسان شمالی؛ اداره کل محیط زیست استان سیستان و بلوچستان؛ اداره کل محیط زیست استان یزد؛ اداره محیط زیست شهرستان جاجرمد؛ اداره محیط زیست شهرستان بافق؛ اداره محیط زیست شهرستان سراوان؛ اداره محیط زیست شهرستان نجف آباد؛ اداره محیط زیست شهرستان اسفراین؛ اداره محیط زیست شهرستان مانه و سملقان؛ سرپرست و محیط بانان منطقه حفاظت شده کوه بافق؛ سرپرست و محیط بانان پناهگاه حیات وحش میاندرشت؛ سرپرست و محیط بانان پناهگاه حیات وحش قمشلو؛ سرپرست و محیط بانان منطقه حفاظت شده قرخود؛ فرمانداری شهرستان بافق؛ مدیران اداره آموزش و پرورش شهرستان بافق؛ مدیران مدارس راهنمایی شهرستان بافق؛ مدیریت، معاونت و داوطلبین جمعیت هلال احمر شهرستان بافق؛ و آقایان مهندس محمدرضا عاقبتی، دکتر جواهری و خانمها کتابون افشار و ژوزفین حریری تشکر دارد.

انجمن یوزپلنگ ایرانی از کلیه شرکتها دعوت می کند تا با استفاده از تصاویر جانوران و گیاهان ایران در بسته های خود در جهت شناخت حیات وحش کشور به هم میهنان عزیز کمک کنند. کلیه شرکت ها اعم از تولیدی، خدماتی، مسافرتی و ... می توانند با چاپ تصاویر، اسامی و یا یک مطلب کوتاه در مورد حیات وحش کشور، گامی موثر در این حرکت ملی بردارند. انجمن یوزپلنگ ایرانی آماده است تا تصاویر و مطلب مورد نیاز را در اختیار علاقه مندان قرار دهد. شرکت های محترم برای تهیه تصاویر و مطالب می توانند به وب سایت انجمن www.iraniancheeta.org به آدرس مراجعه کرده و یا از طریق تلفن و Email با انجمن تماس حاصل فرمایند.

گزارش شرکت در چهارمین کنفرانس آموزش محیط زیست^۱ - هندوستان / احمدآباد - آذر ۱۳۸۶

آموزش محیط زیست راهی برای رسیدن به آینده‌ای پایدار



صفورا زواران حسینی-انجمن یوزپلنگ ایرانی آموزش عمومی را در کنار فعالیتهای پژوهشی و تحقیقاتی یکی از ارکان حفاظت از محیط‌زیست و گونه‌های در معرض خطر می‌داند. این انجمن از آغاز فعالیتهای خود به شکل‌های مختلف در راستای افزایش آگاهی‌های عمومی در زمینه‌ی حیات‌وحش ایران و به‌خصوص یوزپلنگ ایرانی تلاش و تجارب گرانمایی را کسب نموده است. از این رو تصمیم گرفته شد به دلیل وجود این تجربه‌های ارزشمند در زمینه آموزش محیط‌زیست و همچنین کسب تجربه‌های روز دنیا در چهارمین «کنفرانس آموزش محیط‌زیست» که در کشور هندوستان برگزار می‌شد نماینده‌ای از این انجمن شرکت نماید. این کنفرانس در تاریخ ۲۴ الی ۲۷ نوامبر سال ۲۰۰۷ در شهر احمدآباد ایالت گوجرات هندوستان برگزار شد و بیش از ۱۵۰۰ شرکت‌کننده از ۹۷ کشور جهان در آن شرکت کردند.

چرا کنفرانسی با موضوع آموزش محیط‌زیست وجود دارد؟

از دهه‌ی هفتاد میلادی، پس از آنکه توجه به حفاظت از محیط‌زیست در میان جوامع پر رنگ‌تر شد و قدم‌های عملی مانند برگزاری اجلاس‌های بین‌المللی برای ملزم کردن کشورها به رعایت برخی قوانین و دستورالعمل‌های حافظ محیط‌زیست برداشته شد؛ توجه کارشناسان و برنامه‌ریزان به آموزش محیط‌زیست نیز در کنار اقدامات کنترلی قانونی جلب شد. آموزش محیط‌زیست به دو دلیل اهمیت خود را نشان داد. یکی از این دو دلیل بی‌شبهت به شعار آموزشی انجمن یوزپلنگ ایرانی نیست: «ما چیزی را حفظ می‌کنیم که دوست داشته باشیم، ما چیزی را دوست داریم که بشناسیم، ما چیزی را می‌شناسیم که به ما آموزش داده شده باشد.» یکی دیگر از دلایل هم اهمیت ضمانت اجرایی قوانین، آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌ها بود. آموزش محیط‌زیست در کنار این قوانین می‌تواند پایداری اجرای آن‌ها را تضمین کند. به زبان ساده‌تر افراد را تشویق کند نه به خاطر ترس از قانون، بلکه با انگیزه‌ی درونی فعالیتهای آسیب‌زننده به محیط‌زیست خود را کنترل کنند.

فعالیتهای رسمی جهانی در زمینه آموزش محیط‌زیست از سال ۱۹۷۲ در دنیا آغاز شد و در پایان دوره آگاهی‌دهی جهانی در زمینه‌ی اهمیت پرداختن به آموزش محیط‌زیست، اولین کنفرانس آموزش محیط‌زیست در سال ۱۹۷۷ در تفلیس گرجستان برگزار شد و از آن زمان تاکنون هر ده سال یک بار این کنفرانس برای گزارش‌دهی فعالیتهای انجام شده و به اشتراک‌گذاری تجربه‌های اندوخته شده در سطح جهانی، تکرار می‌شود.

لازم به ذکر است چهارمین کنفرانس آموزش محیط‌زیست به دلیل برگزاری در دهه‌ی «آموزش محیط‌زیست برای زندگی پایدار» اهمیتی دو چندان یافته بود. این دهه که از سال ۲۰۰۵ آغاز شده و تا سال ۲۰۱۴ ادامه خواهد داشت در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۲ برای نشان دادن توجه بالای جهانی به این امر تعیین گردید و یونسکو به عنوان نهاد راهنما برای ترویج آموزش و تقویت این دهه مشخص شد.

برگزارکنندگان و شرکت‌کنندگان کنفرانس چه کسانی بودند؟

چهارمین کنفرانس آموزش محیط‌زیست را مرکز آموزش محیط‌زیست (CEE) شهر احمدآباد با همکاری برنامه‌ی محیط‌زیست سازمان ملل متحد (UNEP) و یونسکو برگزار کرد.

کشور هندوستان طی سال‌های گذشته فعالیتهای قابل توجهی در زمینه حفظ و آموزش محیط‌زیست انجام داده است. اکنون در مدارس این کشور کتاب‌ها و ساعت‌های

فعالیتهای خود در زمینه آموزش محیط‌زیست را به نمایش گذاشته بودند. در یکی دیگر از نمایشگاه‌ها مجموعه‌ی شگفت‌انگیزی از صنایع‌دستی سنتی هندی که با موضوع محیط‌زیست اجرا شده بودند به معرض دید عموم گذاشته شده بود؛ و آخرین نمایشگاه نیز مجموعه‌ای از فعالیتهای مدرسه‌ای دانش‌آموزان هندی در زمینه محیط‌زیست بود.

شرکت در کنفرانس چه دستاوردهایی داشت؟

- دستاوردهای شرکت در چهارمین کنفرانس آموزش محیط‌زیست را می‌توان به‌طور خلاصه این‌گونه برشمرد:
- برقراری ارتباط با ریاست و کارشناسان مرکز آموزش محیط‌زیست هند جهت انجام همکاری‌های بعدی و تبادل دانش و تجربیات دو سازمان
 - برقراری ارتباط با صندوق جهانی حیات وحش (WWF) در زمینه‌ی آموزش جوامع محلی و کاهش تعارض میان گوشت‌خواران و روستاییان
 - تعامل با برخی از باغ وحش‌های معتبر (ملبورن، هنگ کنگ، سنگاپور و پرتغال) جهت تبادل تجارب و ساختن فرصت‌های همکاری در زمینه موضوع آموزش Zoo Education در باغ وحش
 - شناسایی چند فرصت آموزشی و مطالعاتی برای آموزشگران محیط‌زیست

مخصوصی برای آموزش محیط‌زیست به دانش‌آموزان وجود دارد. همچنین در زمینه‌ی آموزش محیط‌زیست و الگوهای زندگی پایدار برای دیگر گروه‌های سنی نیز فعالیتهای زیادی صورت گرفته است. در این کنفرانس افراد مختلفی از سراسر جهان با موضوعات کاری مرتبط شرکت کرده بودند: آموزگاران مباحث محیط‌زیست، سلامت، آب و فاضلاب، حقوق بشر، جنسیت، صلح، حقوق شهروندی، عدالت اجتماعی و ... و همچنین نمایندگان از نهادهای مدنی/گروه‌های مردم نهاد، شرکت‌ها، دانشگاه‌ها، رسانه‌ها، دولت‌ها و دفترهای سازمان ملل متحد.



برنامه‌های کنفرانس چه بود؟

شرکت‌کنندگان هنگام ثبت نام می‌بایست گروه کاری مورد نظر خود را از میان ۳۰ گروه کاری موجود با توجه به زمینه‌ی کاری و علاقمندی خود مشخص می‌نمودند. هنگام برگزاری کنفرانس اعضای هر گروه کاری در جلساتی دانش و تجربه‌های خود را به اشتراک گذاشته و در انتها پیشنهاد اجرایی خود را برای ده سال آینده ارائه می‌دادند تا با در کنار هم قرار گرفتن پیشنهادات اجرایی تمامی گروه‌های کاری، سند اجرایی ده ساله آینده آموزش محیط‌زیست در دنیا شکل بگیرد.

علاوه بر برگزاری جلسات گروه‌های کاری، جلسات همگانی با موضوعاتی مانند: تدوین بیانیه‌ی کنفرانس، گرمایش جهانی که از مسایل روز دنیاست و ... نیز در برنامه‌ی کنفرانس گنجانده شده بود. همچنین به طور موازی کارگاه‌ها و جلسات اطلاع‌رسانی و آموزشی توسط کارشناسان مختلف برگزار می‌گردید تا هر فرد با توجه به علاقمندی خود در آن‌ها شرکت نماید و با دانش و تجربیات جهانی در زمینه‌ی آموزش محیط‌زیست آشنا گردد.

همزمان با برگزاری کارگاه‌ها و جلسات کاری، سه نمایشگاه نیز در محل برگزاری کنفرانس دایر بود. در یکی از این نمایشگاه‌ها گروه‌های ملی و بین‌المللی دستاوردها و

پی نوشت:

۱. نشانی سایت کنفرانس برای اطلاعات بیشتر:

<http://www.tbilisiplus30.org/>

با محیط بانان



محمد بلماسب، متولد سال ۱۳۶۱ یکی از محیط بانان جوان و پر شور پناهگاه حیات وحش قمشلو است. او اهل میمه و هنوز ازدواج نکرده است. بعد از سربازی به مدت ۵ ماه در شرکت مهیا گاز در قسمت جوشکاری کار کرده و سپس به پناهگاه حیات وحش قمشلو آمده و ۴ سال از عمر ۲۵ ساله اش را به محیط بانی پرداخته است.

با تمام مشکلات و سختی های کار محیط بانی این شغل را کاری خوب و دوست داشتنی می داند، چون اعتقاد دارد که محیط بانان با مردم رابطه خوبی دارند و همین برای او کافی است. به نظر او شاخصه های اصلی یک محیط بان موفق این است که: اولاً کارش را دوست داشته باشد وگرنه مشکلات زیاد این کار (مثل کمبود وسیله نقلیه محیط بانان در قبال امکانات پیشرفته شکارچیان و متخلفین و تعداد کم نیرو و در نتیجه گشت زنی های طولانی برای یک فرد) او را خسته می کند، ثانیاً به حیات وحش نیز علاقه داشته باشد و به آن ها اهمیت بدهد و در آخر سر حال، اهل کوهنوردی و طبیعت باشد. او خود را موظف به برخورد با ارگانها و افرادی می داند که قصد دست اندازی به اراضی منطقه را دارند، مثل برخورد با متخلفین (شکارچی) و چرای غیر مجاز.

گرگ - گوشتخوار شاخص منطقه - را زیاد دیده است، شاید بتوان گفت هر روز. چند سال پیش منطقه کفتار هم داشته است. دو سه بار هم کفتار دیده است، متأسفانه به تازگی این حیوان را مشاهده نکرده است. حیوان مورد علاقه او پازن است. بخصوص پازن های مسن و خیلی بزرگ. اولین بار گرگ را در پاسگاه شاه ماهور پناهگاه حیات وحش قمشلو دیده است. او تعریف می کند: «شب بود که رفتم موتور برق را خاموش کنم. آنروز چند تا لاشه آهو که گرگ ها گرفته بودند را آورده بودیم توی پاسگاه. دیدم یک چیزی توی تاریکی تکان میخورد. اول فکر کردم گرگ نیست چون شنیده بودم گرگ از نور می ترسد؛ ولی بعد دیدم حدود ۱۰ قلابه گرگ وارد پاسگاه شده اند! احتمالاً به هوای همان لاشه های آهو. بعد که بچه ها را صدا زدم از صدای داد و فریاد فرار کردند. زیبا ترین صحنه ای که تا به حال دیده صحنه شکار گرگ بوده است. یک روز زمستانی در سمت شمال منطقه، روی جاده آسفالته مجاور منطقه، در حال گشت زنی، یک گرگ در حال دواندن یک آهو بوده است. گرگ مدت بسیار زیادی آهو را در مسیر معینی تعقیب میکرد. بعد که گرگ خسته شد، ناگهان در همان مسیر گرگ دیگری که از قبل کمین کرده بود بلند شد و تعقیب را ادامه داد. جالب اینجاست که با وجود این همه تعقیب و گریز آهو فرار کرد.»

چندین بار با شکارچیان و متخلفین برخورد داشته است، جالب ترین خاطره خود را در برخورد با آنان اینگونه تعریف می کند: «در سرمای بهمن سال گذشته، تماس گرفتند که شکارچی به کوه است. ما از ساعت ۳ بعداز ظهر تا ۹ شب توی کوه دنبالشان می گشتیم. یک سری از بچه ها از پشت کوه و ما هم از طرف مقابل به کوه رفتیم. شب که شد بچه ها تماس گرفتند که یک عده شکارچی را گرفتند. من پایین کوه یک نور دیدم و شروع کردم به دویدن. بی سیم شارژ نداشت، با سختی با بچه ها تماس گرفتم، ولی بچه ها صدایم را دقیقاً نشنیدند. به همین خاطر تنهایی از بالای کوه تا کنار جاده را یک نفس دویدم. آنقدر خسته بودم که کنار جاده افتادم. وقتی ماشین رسید با چراغ قوه علامت دادم ولی نایستاد. بعد مجبور شدم لاستیک ماشین را نشانه بگیرم. بعد از توقف راننده ادعا کرد که از ارگان دولتی است و سعی داشت با نشان دادن کارت شناسایی برود، ولی بچه های نظارت و بازرسی از راه رسیدند. خواستیم در صندوق عقب را باز کند ولی می گفت که کلید صندوق عقب را ندارد! من صدلی را خواباندم و دستم را بردم توی صندوق عقب که متأسفانه یک پای فوج آمد توی دستم!»

از گوشه و کنار کشور چه خبر؟

رضا کوشکی (یک طبیعت دوست ایرانی) یک توله یوزپلنگ آسیایی کمیاب را که دو شکارچی متخلف در منطقه ی حفاظت شده ی توران زنده گیری کرده بودند خریداری کرده و آن را به اداره کل حفاظت محیط زیست سمنان تحویل داد و مانع از قاچاق و تلف شدن این گونه نادر شد. این توله یوزپلنگ هم اکنون در پارک پردیسان تهران نگهداری می شود. این توله یوزپلنگ ایرانی را به افتخار این طبیعت دوست ایرانی «کوشکی» نامیدند.

هوشنگ ضیایی از سمت مدیریت پروژه ی حفاظت از یوزپلنگ آسیایی برکنار گردید. او از ابتدای سال ۱۳۸۴ به عنوان سومین مدیر این پروژه مشغول به فعالیت بود. مهمترین دلایل برکناری وی از سوی سازمان محیط زیست، عدم تطبیق دستاوردها با برنامه ی زمانی و مالی پروژه، خروج غیرمجاز نمونه های بافت یوز از کشور، انتشار بدون مجوز نتایج و دستاوردهای پروژه و غیره عنوان گردید. بدین منظور جمعی از دانشجویان با شعار «در حمایت از یوز ایرانی، در اعتراض به انحلال پروژه یوز ایرانی مقابل سازمان محیط زیست تحصن می کنیم» به این اتفاق اعتراض کردند. طبق اعلام سازمان محیط زیست پروژه ی یوزپلنگ آسیایی تا پایان بهار سال ۱۳۸۷ ادامه خواهد یافت.

هرمز اسدی یکی از برجسته ترین اساتید و دانشمندان محیط زیست کشور در زمستان سال گذشته دار فانی را وداع گفت. خبر درگذشت این مرحوم در لحظات اولیه برای تمامی کسانی که آنرا دریافت کردند بی شک بی شباهت به شوک نبوده است. زیرا باور این امر مشکل می نمود که اکنون کسی مسافر آسمان گردیده که خود راهنمای بسیاری از مسافران جاده علم و دانش بوده است. انجمن یوزپلنگ ایرانی این واقعه ناگوار را به خانواده محترم، همکاران، دوستان و تمامی فعالین عرصه محیط زیست تسلیت عرض می نماید.

طی آذرماه سال ۱۳۸۶ در ۲ نوبت از ۲ گروه چهار قلابه ای یوزپلنگ در مناطق توران و بافق فیلمبرداری گردید. در توران محیط بان کرمی از ۴ قلابه یوز بالغ تصاویری را از فاصله ی ۱۵۰ متری گرفت. کریمی سرپرست منطقه حفاظت شده بافق در منطقه آرسستان بافق نیز از یک ماده یوز همراه با ۳ توله ی کوچکی خود تصاویر جذابی تهیه کرد. لازم به ذکر است که آقای کریمی با شش بار فیلمبرداری، بیشترین تصاویر گرفته شده توسط دوربین دستی از یوز ایرانی در کشور را در اختیار دارد.



بر اثر برخورد یک دستگاه خودرو با ۳ قلابه گرگ در بوکان، متأسفانه یکی از گرگ ها به شدت دچار صدمه شد. طبق گزارش انجمن، بعد از لحظاتی گرگ صدمه دیده با همت سه نفر از طرفداران محیط زیست به اداره ی محیط زیست بوکان منتقل و با همکاری اداره ی مذکور و موسسه مدافعان محیط زیست بوکان گرگ آسیب دیده جهت مداوا به درمانگاه انتقال یافت. پس از معاینات و تلاش های قابل تقدیر دکتر ورقائی مشخص شد که گرگ ماده آبستن بوده و بر اثر شدت تصادف قطع نخاع گردیده است. متأسفانه گرگ مذکور ساعتی بعد از مداوا جاننش را از دست داد.



متأسفانه در زمستان سال گذشته روند کشت و کشتار پلنگ ایرانی همچنان رو به افزایش بود. لاشه ی یک قلابه پلنگ کمیاب در ارتفاعات منطقه حفاظت شده هزارمسجد شهرستان کلات پیدا شد. این پلنگ

که با طعمه مسموم شده و سپس توسط سگ های گله مورد حمله قرار گرفته بود، از صخره سقوط کرده و تلف شده بود! لاشه ی این حیوان برای انجام تحقیقات و استفاده از پوست آن به منظور تاکسیدرمی به اداره ی کل استان خراسان رضوی ارسال شده است. همچنین یک قلابه پلنگ که وارد شهر برازجان مرکز شهرستان دشتستان استان بوشهر شده بود، توسط نیروی انتظامی به ضرب گلوله کشته شد. علاوه بر این یک قلابه پلنگ ماده ی زخمی در پارک ملی خبر از پا درآمد. این حیوان که از ناحیه دست به شدت زخمی بوده است قادر به فرار نبوده و به داخل یک نیزار پناه برده بود. پلنگ زخمی با مشاهده محیط بانان در نزدیکی خود دچار استرس شده و به یکی از محیط بان ها حمله می کند و سرانجام نیز توسط همان محیط بان به ضرب گلوله کشته می شود.

به علاوه شکارچی متخلفی در استان فارس که اقدام به کشتن دو توله پلنگ کرده بود دستگیر و به دست قانون سپرده شد. متأسفانه این شکارچی متخلف برای سودجویی، این دو توله پلنگ را به طرز ناشایسته ای تاکسیدرمی کرده بود تا آن ها را به فروش برساند اما خوشبختانه با تلاش محیط بانان اجساد تاکسیدرمی شده کشف و ضبط و فرد متخلف به پرداخت جریمه محکوم شد. ظاهراً این دو قلابه پلنگ در پارک ملی بمو شکار شده بودند.

دلفین شناسان اتحادیه ی جهانی حفاظت از حیات وحش با ارائه ی گزارش بررسی های خود به سازمان حفاظت از محیط زیست راز مرگ دلفین های خلیج فارس را فاش کردند. بر اساس این گزارش علت مرگ ۷۹ دلفین که سوم مهر به ساحل شرقی جاسک آمده بودند فعالیت های اقتصادی عنوان شد که شکستگی پوزه، سر و برخی از علائم ظاهری و داخلی بدن نشانگر این موضوع بوده است. این کارشناسان بین المللی در گزارش خود علت مرگ ۷۲ دلفین دیگر را نیز که یک ماه پس از حادثه نخست رخ داد عوامل طبیعی اعلام کرده اند که در این گزارش هنوز عوامل طبیعی ناشناخته است.

◆ یکی چشم پر آب برای پلنگ های ایران ◆

است. نکته قابل توجه اینکه از ۳۸ پلنگ کشته شده، ۱۳ قلاده آن متعلق به سال ۱۳۸۶ است. همه ساله پلنگهای زیادی هم بی سر و صدا با روشهای مختلف در گوشه و کنار کشور کشته می شوند بدون اینکه به اطلاع سازمان برسد و یا خبری از آنها در مطبوعات چاپ شود. جمع آوری گزارشات از کل کشور میزان تلفات را بسیار زیاد نشان می دهد و اگر این روند ادامه داشته باشد پلنگ هم به سرنوشت شیر و ببر ایرانی دچار خواهد شد و برای همیشه سرزمینمان را ترک خواهد کرد.

با توجه به نمونه های کشته شده در طی این ۵ سال مشخص می شود که بیشتر پلنگها از طریق شکار غیرمجاز از بین رفته اند. همچنین تصادف با خودروهای عبوری نیز از موارد بسیار مهم است که باعث کشته شدن ۷ قلاده شده است. از مجموع ۳۸ قلاده پلنگ که طی این ۵ سال از بین رفته اند بیشترین تلفات

مربوط به استان مازندران (۷ قلاده) و بعد به ترتیب به استانهای گلستان (۶ قلاده)، خراسان شمالی (۴ قلاده)، فارس، خراسان رضوی، لرستان، کرمان و گیلان (هر کدام ۲ قلاده) و چهارمحال بختیاری، تهران، سمنان، زنجان، کهگیلویه و بویراحمد، سیستان و بلوچستان، اردبیل، ایلام، اصفهان، خوزستان و بوشهر (هر کدام ۱ قلاده) می باشد. اگر چه پلنگ در بسیاری از مناطق کشور پراکنده است و انعطاف پذیری زیادی در ارتباط با طعمه و زیستگاه از خود نشان می دهد، لیکن جمعیت آن کاهش چشمگیری داشته و حتی در بعضی از مناطق بطور کلی از بین رفته است. چنانچه طبق جدیدترین فهرست سرخ نیز این زیرگونه در خطر انقراض معرفی شده است که لزوم حمایت و توجه بیشتر سازمان حفاظت از محیط زیست را در حفظ این گونه زیبا و بی نظیر می طلبد.



زیستگاههای بسیار خوبی برای پلنگها به شمار می رفته اند. از سال ۸۱ تا ۸۶ تعداد حداقل ۳۸ قلاده پلنگ در ایران به دلایل مختلفی کشته شده اند که آماری بسیار تاسف برانگیز



گزارش علمی: کامبیز برادرانی - پلنگ جانوری فوق العاده سازگار می باشد که می تواند خود را با اغلب زیستگاهها وفق دهد. هر کجا که آب و جمعیت مناسبی از طعمه های مورد علاقه اش وجود داشته باشند این جانور هم در آن مکان یافت می شود. از این لحاظ این جانور دارای گستره زیستی پهناوری می باشد. از مناطق کوهستانی، بیابانها، جنگل های انبوه و علفزارهای گرم و باز آفریقا گرفته تا خاورمیانه، هند، چین، جنگلهای مرطوب و حاره ای جنوب شرق آسیا و جنگلهای سردسیر خاور دور روسیه پلنگ زندگی می کند. این جانور گسترده ترین پراکندگی را در بین تمام گربه سانان بزرگ جهان دارد. در این گستره بزرگ زیستی پلنگها از لحاظ رنگ پوست، طرح خالها و اندازه بدن متفاوت بوده و همین باعث شده تا دانشمندان تاکسونومیست زیرگونه های مختلفی را برای این جانور در نظر گیرند.

پلنگ ایرانی یکی از این زیرگونه هاست که طبق مقاله دکتر کیابی و همکاران در سال ۲۰۰۲، در کل کشور ۵۵۰-۸۵۰ قلاده از این جانور زیبا وجود دارد، البته این رقم نه یک برآورد جمعیت بلکه حدسی اولیه است.

در ایران، این جانور با نام علمی *Panthera pardus saxicolor* از گستردگی زیادی برخوردار بوده و در اغلب مناطق کشور به استثنای مناطق کویری و بی آب و علف یافت می شود. مساحت کل گستره پراکندگی پلنگ در ایران ۸۸۵۳۰۰ کیلومترمربع است. به عبارت دیگر پلنگ در بیش از ۵۰ درصد خاک ایران زندگی می کند. جمعیت های اصلی پلنگ در ایران بیشتر در شمال و شمال شرق کشور پراکنده می باشند و استانهای مازندران، گلستان، سمنان، خراسان رضوی و شمالی نیز با داشتن چشم اندازهای مختلف و زیستگاههای متفاوت دشتی، کوهستانی، جنگلی و استپی از دیرباز دارای

◆ بهکدهی رضوی تضمینی برای بقای پلنگ ◆

پارک به این منطقه رفت و آمد می کنند. به علاوه به ندرت مشاهده شدن پلنگ همراه با توله هایش خود نشان دهندهی حاشیه ای بودن این منطقه و عدم تناسب آن برای زیست پلنگهای بزرگ جثه تر و زادآوری آنها است. این نتیجه مؤید نقش انکارناپذیر مناطق پیرامونی پارکهای ملی و مناطق حفاظت شده و لزوم حفاظت از این مناطق است؛ زیرا این مناطق حاشیه ای به عنوان سپر ضربه گیر عمل نموده و بقای جمعیت اصلی حیات وحش در داخل پارکهای ملی و مناطق حفاظت شده را تضمین می نمایند.

براساس آمارهای اداره ی کل محیط زیست استان خراسان شمالی، منطقه ی بهکدهی رضوی در کنار منطقه ی حفاظت شده قرخود زیستگاه بیش از ۵۰۰ رأس قوچ و میش و حدود ۱۵۰ رأس آهو است. مهمترین طعمه های پلنگ در این منطقه را قوچ و میش، گراز و دامهای اهلی تشکیل می دهند.

به سبب قرار گرفتن در حاشیه ی شمالی این منطقه، احتمالاً میزبان پلنگهای جوانی است که به دنبال یافتن قلمرو از

سرویس پژوهش: فاطمه حسینی زواری - پلنگ منطقه شکار ممنوع بهکدهی رضوی به دام دوربین های

تله ای افتاد. انجمن یوزپلنگ ایرانی در راستای مطالعات خود در این منطقه، در بهمن ماه سال گذشته با بکارگیری ۵ دستگاه دوربین تله ای توانست از یک قلاده پلنگ نر در این منطقه عکسبرداری نماید. این منطقه یکی از ناشناخته ترین زیستگاههای پلنگ در ایران به شمار می رود که تاکنون مورد مطالعه قرار نگرفته است. بر اساس بررسی های صورت گرفته از تابستان ۱۳۸۶ در این منطقه، اکثر پلنگهای موجود در این منطقه از جثه چندان بزرگی برخوردار نبوده و ردپاهای مشاهده شده حاکی از نسبت بالای پلنگهای جوان و کم سن و سال در این منطقه دارد. دلیل این امر را احتمالاً باید در موقعیت این منطقه نسبت به پارک ملی گلستان جستجو نمود. پارک ملی گلستان دارای جمعیت بالایی از پلنگ است و منطقه بهکدهی رضوی



با تلاش محیطبانان پناهگاه حیات وحش انگوران زنجان صورت گرفت: تصویر برداری از دو قلابه سیاه گوش

سرویس پژوهش: ابراهیم افخمی شیخانی - با تلاش دو تن از محیطبانان برای نخستین بار حضور دو قلابه سیاه گوش در پناهگاه حیات وحش انگوران - نزدیک پست محیطبانی طومارخانلو موسوم به قره بوق - مستند گردید. مقارن ساعت ۱۳ روز شنبه مورخ ۱۸ اسفند ماه ۸۶ دو تن از مامورین (آقایان اسماعیل قلی زاده و قاسمی) که در حال گشت زنی در منطقه بودند، دو قلابه سیاه گوش را در اطراف محیطبانی طومار خانلو مشاهده کرده و بلافاصله موضوع را به اداره محیط زیست شهرستان ماهنشان منعکس نمودند. پس از انتقال دوربین هندی کم به محل و تلاش مجدد، بالاخره حدود ساعت ۱۷:۰۰ همان روز از دو قلابه سیاه گوش مذکور در حال خوردن لاشه یک راس میش توسط مامورین فوق الذکر به مدت ۲۰ دقیقه



در شمال غرب استان زنجان و در حوزه شهرستان ماهنشان واقع شده و از سال ۱۳۵۰ تحت مدیریت سازمان محیط زیست قرار گرفته است.

منطقه انگوران یکی از بهترین زیستگاههای قوچ و میش ارمنی است. برخی از وحوش منطقه عبارتند از: کل و بز، خرس قهوه‌ای، گرگ، روباه و انواع پرندگان نظیر: عقاب طلایی، کرکس کوچک، کبک، کبک چیل، باقرقره شکم سیاه و ... تاکنون ۳۰۰ گونه گیاهی، ۳۳ گونه پستاندار، ۱۰۷ گونه پرنده، ۳۰ گونه خزنده و دوزیست و ۸ گونه ماهی در رودخانه‌های منطقه مذکور شناسایی شده است.



فیلم برداری شد. لازم به توضیح است که در بهمن ماه سال ۸۵ نیز هنگام سرشماری زمستانه وحوش انگوران دو قلابه سیاه گوش توسط محیطبانان (نجفی و دوستیاری) در نزدیکی محل مذکور مشاهده و گزارش شده بود. پناهگاه حیات وحش انگوران با مساحت سی هزار هکتار در مجاورت منطقه حفاظت شده‌ی نود هزار هکتاری انگوران



با همکاری اداره کل محیط زیست خراسان شمالی انجام شد:

به دنبال لاشه خواران شب

می باشد. طی سال گذشته این پژوهش ها با استفاده از دوربین های تله ای وارد مرحله جدیدی گشت که اهم دستاوردهای آن درباره این جانور لاشه خوار ارائه می گردد. براساس نتایج دوربین های تله ای، برآورد می گردد که جمعیتی در حدود ۱۵ تا ۲۰ قلابه کفتار در این منطقه زیست می نماید که عمدتاً در نزدیکی آبراهه های عمیق و عوارض توپوگرافیک لانه گزیده اند. بررسی محتویات لانه های آنها نشان از حضور بقایای آهو، خاریشت و الاغ داشت. همچنین غیر از بقایای مواد استخوانی، زباله های پلاستیکی نیز در سرگین آنها یافت شد. روستاییان نیز از حضور کفتارها در صیفی کاری های آنها خبر داده اند. در این پژوهش غیر از یک گزارش مشکوک، شاهدی دال بر حمله کفتار به دامهای اهلی یافت نشد. بیشترین مسافت طی شده توسط کفتار در زمان کوتاه معادل ۵ تا ۶ کیلومتری در یک مسیر تخت طی یک شب تابستان بوده است. با این حال به نظر می رسد که کفتارها قادر به طی مسافتهای طولانی تر نیز هستند. حداکثر تعداد توله همراه با مادر در این پژوهش ۲ قلابه بوده اند ولی اکثریت قریب به اتفاق مشاهدات متعلق به کفتارهای تنها بوده است.

سرویس پژوهش: مرتضی اسلامی - کفتار راه راه مهمترین جانور لاشه خوار مناطق بیابانی غرب آسیا به شمار می رود که محدوده پراکنش آن تا شمال و شرق آفریقا نیز می رسد. کفتار راه راه در ایران نیز از پراکندگی وسیع برخوردار بوده و در اغلب استان های کشور گزارش شده است.

پناهگاه حیات وحش میاندشت یکی از مهمترین زیستگاه های کفتار در کشور به شمار می رود که در کنار جمعیتی از یوزپلنگ ایرانی، اکوسیستم پویایی را تشکیل داده اند. انجمن یوزپلنگ ایرانی با همکاری اداره کل محیط زیست استان خراسان شمالی از سال ۱۳۸۲ در حال انجام مطالعات مستمری در خصوص گوشتخواران این منطقه



یوزنامه

یوزنامه خبرنامه داخلی انجمن یوزپلنگ ایرانی است که برای اطلاع رسانی پیرامون فعالیت های این انجمن درباره یوزپلنگ و سایر گونه های حیات وحش در کشور تهیه و توزیع می گردد. نهایت تلاش هیأت تحریریه بر آن است تا این خبرنامه را به صورت فصلنامه در اختیار دانشجویان، اساتید، کارشناسان، مدیران، محیط بانان و علاقه مندان قرار داده و در این راه، نیازمند همیاری و همفکری شما هستیم.

سردبیر:

فاطمه حسینی زورانی

ویرایش:

اسماعیل صفرزاده

صفحه آرایی:

حمید رضا میرزاده

همکاران این شماره:

لیلا آمیغ

ابراهیم افخمی شیخانی

مرتضی اسلامی دهکردی

نریمان اسماعیلی

کامبیز برادرانی

محمد بهشتی زواره

صفورا زواران حسینی

محمد صادق فرهادی نیا

موسسه مدافعان محیط زیست بوکان

چاپ:

کامران کمالی



انجمن یوزپلنگ ایرانی، یک سازمان غیردولتی زیست محیطی، مستقل و غیرانتفاعی است که از سال ۱۳۸۰ برای حفظ آخرین بازمانده های یوزپلنگ ایرانی فعالیت می کند. اهداف این انجمن عبارتند از:

- ۱) مطالعه و تحقیق در مورد ۵ گوشتخوار بزرگ جثه ایران و زیست بوم های مرتبط با آن ها؛
- ۲) تنویر افکار عمومی به منظور ارتقای سطح آگاهی جامعه در مورد محیط زیست، حیات وحش و گوشتخواران بزرگ جثه؛
- ۳) ارائه راهکارهای کاربردی به منظور کاهش تعارض میان مردم محلی و گوشتخواران بزرگ جثه، به خصوص یوزپلنگ؛
- ۴) حفاظت از گوشتخواران بزرگ جثه و زیستگاه های آن ها، به ویژه یوزپلنگ.

برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد انجمن و فعالیت های آن با ما تماس بگیرید:

تلفن/فکس: ۰۲۱) ۸۸۰۰۵۹۲۶

همراه: ۰۹۱۲۸۱۱۱۴۲۴ - ۰۹۱۳۳۱۳۰۷۵۶

نشانی پستی:

تهران، صندوق پستی ۱۴۱۵۵-۸۵۴۹

نشانی دفتر: تهران، خیابان کارگر شمالی، روبروی مرکز قلب،

خیابان شکرالله، پلاک ۵، طبقه دوم، واحد ۵

پست الکترونیک:

info@iraniancheetah.org

وب سایت:

www.iraniancheetah.org

